



ارزند ترین کاری که تاکنون، بشری، درباره نوع
بشر انجام داده است، همان خدمات گرانبهای، پیامبران
آسمانی می باشد آنان باتعلیم عالی و فداکاریهای
بی مانند خود، توائیت اند سعادت و خوشبختی بشر
را دره رود جهان، تأمین نمایند، و پایه های تمدن
جامعه انسانی را بی ریزی کنند
اگر بشر باتعلیم آسمانی آشنا نبود، و آموزگاران
آسمانی برای تعلیم و تربیت او گمارده نمی شدند،
قطعما از تکامل فکری و عقلی، و دیگر مظاهر تمدن
فرستنگها هر مری ماند

کافی است که در این باره به نقاط دورافتاده جهان
که پای پیامبران آسمانی به آن نقاط ترسیمه است
ومردم آن جا از تعلیم آنان بوئی نشینیده اند، سری
برزیم و وضع روحی و تکامل فکری و اخلاقی آنان
را ارزیابی نماییم.

از آنجا که ارزش کار آنان بالاتر از آن است که
جامعه انسانی قادر به جیران آن باشد، منطق تمام

پیامبران در تمام ادوار رسالت‌ها این بود که:
«وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ
إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (آن چنین می گفتند):
من از شما اجر و پاداش نمی خواهیم اجر من بر خدای
جهانیان است

قرآن مجید این منطق را از پیامبران والامقامی
مانند نوح، هود، صالح، لوط و شعیب نقل می‌کند (۱)
همچنین خداوند شخصیت بزرگ جهان بشریت را

سوره فرقان

۵۷۹

پاداش رسالت

**قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ
يَتَخَذِّلَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا**
بگومن برای رسالت خود اجر و پاداش نمی.
خواهیم مگر آن کس را که به سوی بروزگار خود راهی
اختاذ کند.

۱- به سوره شعراء آیات ۱۰۹، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۲۷، ۱۰۹ مراجعه فرمایید

: پگواجری را که از شما خواسته ام به نفع خود
شما است، اجر واقعی من برخدا است او برهمه
چیز شاهدوگواه است

صریح آیه این است که همان پیامبر گرامی که
می گوید پاداش من برخدا است، اذامت چیزی
را خواسته که ظاهر آن اجر و پاداش است ولی
باطن آن عملی است که نفع آن به خود است باز
می گردد.

اکنون بینیم در کدام آیه بلک چنین در خواستی
انجام گرفته است. در مجموع فرآن دو آیه یعنی
ندادیم که پیامبر به دستور خداوند در برادر مال
خود، اجر و پاداش طلبیده است یکی از این دو آیه،
آیه مورد بحث است که می فرماید:

«قل مَا سألكمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مِنْ شَاءَ
ان یتَخَذَ الی رِبِّهِ سَبِيلاً (۲)

: پگومن بررسالت خود مزدو پاداش نمی خواهم
مگر کسی را که به سوی پروردگار خود، راهی پیدا
کند.

مقصود از جمله «ان یتَخَذَ الی رِبِّهِ سَبِيلاً»
هر کاری کی است که انسان را به سوی خدا رهبری
کند یعنی مزدو پاداش من این است که شماره خدا
را بیش گیرید، و از اطاعت و پیروی کرده از فرمان
او سریچی تسبیب.

و به هارت دیگر اسلام و ایمان شما بزدگیرین

با جمله زیر خطاب نموده می فرماید:
«وَمَا تُشَلِّهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِلْعَالَمِينَ (۱)

: هرگز از آنان اجری نمی خواهی و فرآن جزو
یادآوری برای جهانیان، چیزی نیست.

از این گذشته: انتظار اجر و پاداش از مردم، با الخلاص
و پیراستگی عمل از هر نوع انگیزه مادی سازگار
نیست زیرا کاری که برای خدا است و به فرمان او
انجام می گیرد اگر دارای اجر و پاداش است باید
بر عهد خود اواباشد، اگر غیر این بود و فدا کاری
پیامبران به منظور منافع مادی انجام می گرفت، دیگر
کار آنان در پیشگاه الهی قرب و ارزشی نداشت

از این جهت همگی می گویند: ان اجری الا
علی رب العالمین: مزد و پاداش من برخداوند
جهانیان است

* * *

از برخی از آیات استفاده می شود که پیامبر گرامی
در مقابل خدمات ارزنده خود، از مردم چیزی را
به صورت مزدو پاداش طلبیده است ولی باید توجه
داشت که ظاهر آن: مزدو پاداش است اما در باطن سود
آن به خود است بازمی گردد آنجا که می فرماید:
«قُلْ مَا سألتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرَى
إِلَّا عَلَيَّ اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (سَا
آیه ۴۷)

۱- سوره یوسف ۱۰۴

۲- به حسب ظاهر لفظ «الامن» استثناء از اجر است ولی از آنها که «اجر» جنبه فعلی و عملی دارد و
«من» کنایه از انسان است و چنین انسانی داخل در اجر نیست تا از آن خارج شود، مؤلف «کتاب» می گوید:
در آیه قبل از لفظ «من» لفظ «فعل» مقدار است به صورت: «الفضل من اتخذ»

آرزو و اجر و مزد من است، و چنین پاداشی پیش از آن که به نفع پیامبر باشد، صد و زصد به نفع خود بپروان او می باشد از این جهت فرموده:

قل ماساتکم من اجر فهولکم (سباه - ۴۷)

پاداشی که طلبیده ام به سود شما است

بلکه چنین تغیر، اختصاص به قرآن ندارد، بلکه در مکالمات روزمره مانیز، چنین تغیر هائی وجود دارد.

مثال: پدری، تروتی را در اختیار فرزند خود می گذارد که با آن کسب کند و زندگی خود را بادرد. آمد آن تأمین نماید، در این موقع رویه فرزند مبکند و می گوید: من در مقابل این عمل از تو چیزی نمی خواهم جزابن که ارزش این مال را بدانم و آن را ضایع ممکنی واژ آن به نفع خود استفاده بنمایم. درست است که پدر در این موقع از فرزند خوبیش اجر و پاداش می طلبد اما آنچه را که پدر از فرزند می خواهد پیش از آن که به نفع پدر باشد به سود فرزند است که قدر تروت موروثی پدر را بداند و آن را تلف و ضایع نکند.

فرض کنید نیکو کاری مقدمات تحصیل فردی را فراهم می کند و در این راه رنج و زحمت می کشد، سرانجام رویه آن شخص می کند و می گوید: من از این کار اجر و مزدی نمی خواهم جزابن که تو عالم و دانشمند شوی و در جامعه عزیز و گرامی باشی.

یا اینکه پژوهشکی بطور رایگان بسازی را معالجه می کند و نسخه ای برای او می نویسد و می گوید: من اجر و مزدی نمی خواهم جزابن که به این نسخه عمل کنی و بپردازیم.

یک چنین تغیر کتابه از نهایت علاقه پدر به سعادت فرزند پایز هک و مرد بکر کار به شخص مورد نظر خود می باشد.

البته مقصود از لفظ «سیلا» هر نوع عمل نیکی است که داهی به سوی خدا شمرده شود، یعنی چیزی که انسان را به سوی خداره بری نموده و در میسر رضایت او فراردهد.

بنابراین ایمان و اعتقاد، عمل صالح و کردار نیک، محبت به اولیاء و پیامبران، مودت و دوستی به خاندان رسالت که مشعل های فروزان هدایت و پیشوایان معموم و حجت های الهی هستند، همگی از مصاديق اتخاذ میلی است که در این آیه وارد شده است و چیز تازه و جداگانه ای غیر از آنچه در این آیه آمده است، نمی باشد.

زیرا تحکیم پیوند دوستی با آنان راهی است به سوی خدا و از دونظر به نفع ما است:

اولاً- انس والقوه و ارتباط با خاندان علم و دانش، خود سبب می شود که بسیاری از عقده های دینی ما گشوده گردد و آنچه را که نمی دانیم یاد بگیریم. طبعاً کسانی که از این خاندان دور نند و پیوندی با آنان ندارند، از چنین فیض محروم بسویه در بسیاری از مشکلات دینی باید به افرادی مراجعه کنند که به هیچ وجه قول و نظر آنان حجت و سند نیست.

ثانیاً: عشق و علاقه به خاندان حضرت، خود به خود انسان را از گناه و تأثیراتی تاحدی بازمی دارد زیرا معنی ندارد کسی انسان را از تصمیم دل و تأسیر حد عشق دوست بسازد، اما علا با او به مخالفت برخاسته و اموری را که محظوظ او از آنها سخت

بود که مامزد پاداشی از شما نمی خواهیم بلکه اجر ما با خدا است.

ولی قرآن در دو مورد دونوع اجر از امت طلبیده است یکی از آنها آیه موربد بحث است که میفرماید: «من از شما پاداشی نمی خواهم جزا این که شما بسوی خدا راهی بیدا کنید»

آیه دیگر همان است که دوستی با خاندان پیغمبر را اجر رسالت شمرده است ولی باید توجه نمود این دونوع در خواست پاداش، منافات با شمار پیامبران (که ما از شما پاداشی نمی خواهیم) ندارد زیرا پاداشی که آنان بشدت از در خواست آن اجتناب می ورزیدند، پادشاهی مادی و منافع دنیوی بود که هرگز با اخلاص در عمل آنها سازگار نبود.

ولی این دونوع پاداش معنوی (توجه مردم بخدا - مودت اهل بیت) هرگز منافات با اخلاص و نفی پاداش آنها ندارد زیرا: این دونوع اجر پیش از آنکه به نفع خود پیامبر باشد به نفع امت است و در حقیقت در این دور در خواست پیامبر گرامی چیزی جز عمل بهمن رسالت نخواسته است و در واقع این دو پاداش روشنترین مصداق آیه زیر است: «وما سألكم من أجر فهو لكم» - سباء ۴۷ - پاداش که خواسته ام همگی به نفع شماست.

تفرد ارادت انجام دهد.

از این بیان استفاده می شود که اگر در آیه دیگر مهر و مودت به خاندان عصمت اجر و مزد رسالت قرار داده شده است از آن رشته پاداش هایی است که درباره آن قرآن مجید چنین فرموده:

قل ما سألكم من أجر فهو لكم (سباء ۴۷)
اگر پاداش از شما خواسته ام همگی به نفع شما است .

و همچنین دوستی با خاندان عصمت راهی است به سوی خدا که امت درسایه چنین علاقه ای می تواند حلال را از حرام، واجب را از غیر واجب، صحیح را از باطل تشخیص داده و پیوسته در صراط مستقیم باشد ، و در حقیقت یکی از «مصاديق» «اتخذ الی ربه سبیلا» می باشد از این جهت قرآن دوستی با خاندان عصمت را به صورت ظاهر پاداش و اجر رسالت حساب کرده می فرماید:

«قل لَا أَسألكم علیه أجرًا إلّا المودة في الْقربى (سورة شوری آیه ۲۳)

بگومن برای تبلیغ رسالت اجر و پاداش نمی خواهیم چر بذل محبت درباره اقرباء و خویشاوندانم نتیجه این که قرآن از زبان پیامبران گرامی و خصوصاً پیغمبر اکرم نقل می کند که شعار آنان این

بهترین ازدواجها!

پیامبر اسلام (ص) فرمود:

حَيْرُ النِّكَاحِ أَيْسَرُهُ

: شایسته ترین و بهترین پیوند زناشویی آنست که بطور آسان برگزار شود

نهج الفصاحه ص ۳۱۶